

## عنوان مقاله:

نسبت سنتی جهانی حقوق بشر و اصول غیرقابل بازنگری؛ با تاملی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره 25، شماره 82 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

## نویسندگان:

جواد یحیی زاده - دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد محمدی گرگانی - استادیار حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

اصل «جهان شمولی» به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و از رهگذار شناسایی در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، افزون بر صبغه فلسفی اهمیت حقوقی نیز یافته است. این اهمیت صرفاً در «نظام بین المللی حقوق بشر» خلاصه نشده و «نظام های حقوقی ملی» را نیز تحت تاثیر قرار داده است. از سوی دیگر، «دستورگرایی» به مثابه پارادایم غالب در حقوق عمومی مدرن و البته همزاد جهان شمولی، با چالش هایی جدی روبرو شده که مهمترین آن ها «قواعد غیرقابل بازنگری» است. از این رو پرسش اصلی مقاله آن است که نخست، نسبت میان اصل جهان شمولی و قواعد غیرقابل بازنگری در قوانین اساسی چیست؟ و دیگر اینکه رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره کدام است؟ یافته های پژوهش متکی بر روش «هنجاری» و گردآوری اطلاعات از طریق «کتابخانه ای»، حاکی از آن است که قواعد غیرقابل بازنگری به نحو اجتناب ناپذیری پیامد «تاریخی» و «منطقی» اصل جهان شمولی حقوق بشر به شمار می روند. نیز تدقیق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص نشان می دهد علی رغم پذیرش برخی عناصر هسته ای مشترک راجع به قواعد غیرقابل بازنگری توسط مقنن اساسی ایران، اصل جهان شمولی حقوق بشر به رسمیت شناخته نشده است؛ آنچه بازنگری در این اصل و حرکت به سوی «دستورگرایی فراملی» را ناگزیر می سازد.

## کلمات کلیدی:

جهان شمولی حقوق بشر، قواعد غیر قابل بازنگری، دستورگرایی فراملی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1973830>

